



درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی الحيض

موضوع جزئی: حکم خون خارج شده از مشکوک البلوغ

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ: ۱۸ بهمن ۱۴۰۱

مصادف با: ۱۶ رجب ۱۴۴۴

جلسه: ۶۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۷۰۱ بود. نظر مرحوم سید (ره) این بود که اگر از دختری که در بلوغ او شک است، خونی خارج شود که صفات حیض را داشته باشد، محکوم به حیض است و خروج این خون علامت بلوغ است.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرمود که در رابطه با این مسأله در دو مقام بحث می‌شود؛ مقام اول، مقام ثبوت و واقع است و مقام دوم، مقام اثبات و خارج است. نظر ایشان هم در رابطه با مقام ثبوت و هم در رابطه با مقام اثبات این بود که به صرف اینکه خون دارای صفات حیض باشد، برای حکم به حیض کردن کفایت نمی‌کند.

مرحوم آیت الله خویی (ره) در بررسی مقام دوم [، یعنی مقام اثبات]، فرمود که حکم مشهور علما به حیض بودن خونی که از مشکوک البلوغ خارج می‌شود [از باب اینکه آن خون چون صفات حیض را دارد، محکوم به حیض است]، از دو فرض خارج نیست؛ یا در فرضی است که در حیضیت خون شک دارد و یا در فرضی است که به حیض بودن خون علم دارد که در هر دو فرض نمی‌توان به حیض بودن آن خون حکم کرد چون در حیض بودن، شرط است که دختر به سن بلوغ (اتمام نه سالگی) رسیده باشد، به علاوه اینکه در تحقق این شرط شک است که استصحاب عدم تحقق شرط (عدم بلوغ) جاری می‌شود همچنین، اگر به حیض بودن خون علم باشد، علم به حیض بودن با علم به بلوغ مساوی است و با فرض علم به بلوغ و حیضیت، معنایی برای تمسک به اماره و تعبد به آن باقی نمی‌ماند.

در ادامه اشکالی مطرح شد و آن، اینکه بعضی گفته‌اند که در بعضی از روایات آمده است که وجوب روزه و نماز و وجوب پوشش در نماز، مترتب بر حیض است [، یعنی حیض، معیار و ملاک برای ترتب حکم قرار داده شده است و اتمام نه سالگی ملاک نیست]. این عده گفته‌اند که از این روایات استفاده می‌شود که وجوب نماز، روزه و پوشش بر دختر، بر یکی از این دو امر مترتب است و آن، اینکه یا باید سیزده سال دختر تمام شده باشد و یا اینکه حیض ببیند و از این روایات استفاده می‌شود که ملاک برای بلوغ، اتمام نه سالگی نیست، بلکه ملاک، دیدن خون حیض است.

پاسخ: روایات ذکر شده، ربطی به مانحن‌فیه ندارند زیرا مانحن‌فیه به موردی مربوط است که در حیض بودن خون شک است و از طریق صفات حیض در صدد اثبات حیض بودن خون می‌باشیم در صورتی که روایات مذکور، به موردی مربوط می‌شوند که اصل حیض بودن معلوم و محرز است و سؤال از حکم زنی است که حیض دیده است که امام (ع) در پاسخ فرموده است که اگر زنی خون حیض ببیند نماز، روزه و پوشش بر او واجب است.

بنابراین، اینکه بخواهند با تمسک به روایات مذکور، مسأله را حل کنند و در پایان نیز بگویند که بین روایات به این نحو جمع می‌کنیم که اگر خونی که از زن خارج شده است، صفات حیض را داشته باشد به حیضیت آن حکم می‌شود، صحیح نیست. پس اخباری که

بر ترتب احکام مذکوره [، یعنی نماز، روزه و پوشش] بر حیض و احتلام (بلوغ) دلالت می‌کنند از مانحن‌فیه بیگانه‌اند و ربطی به مانحن‌فیه ندارند زیرا این اخبار بر این دلالت دارند که احکام مذکوره بر خونی که حیض بودن آن معلوم باشد، مترتب می‌شوند و اما اینکه حیض در چه زمانی است و به چه چیزی مشروط است، از این اخبار استفاده نمی‌شود، پس مقتضای اخباری که بر این دلالت دارند که حیض مشروط به بلوغ است، این است که در این گونه موارد که در بلوغ شک است، نمی‌توان به حیض بودن خون حکم کرد چون در شرط حیض که بلوغ است، شک است و لذا استصحاب عدم بلوغ جاری می‌شود.

نظر مرحوم آیت الله حکیم (ره)^۱

مرحوم آیت الله حکیم (ره) فرموده است که لفظ حیض از الفاظ عرفیه است، یعنی قبل از اینکه شارع مقدس سخنی از حیض به میان بیاورد این لفظ بین عرف مطرح بوده است و حتی در امت‌های گذشته [قبل از اسلام] نیز مسأله حیض مطرح بوده است لذا همانند سایر الفاظ عرفیه نزد عرف، معنای خاص خودش را دارد، کما اینکه از لفظ «تمر» معنای خرما به ذهن متبادر می‌شود و از لفظ «خمر» معنای شراب به ذهن متبادر می‌شود پس «حیض» نیز معنای خاص خودش را نزد عرف دارد. آیه شریفه ذیل نیز شاهد بر این مطلب است:

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»^۲؛ و از تو درباره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده‌ای است، از این رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره‌گیری کنید و با آنها نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند و هنگامی که پاک شدند از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد و پاکان را [نیز] دوست دارد.

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که معنای خود حیض نزد عرف شناخته شده بوده است و لکن حکم آن برای آنان روشن نبوده است که از پیامبر اکرم (ص) درباره حکم آن سؤال کرده‌اند و خداوند فرموده است که وقتی از حیض سؤال کردند از باب همدردی بگو که حیض اذیت‌کننده است [، سپس حکم را بیان کن و بگو: در آن حال از آنان کناره‌گیری کنید.

تحدیدات شرعیه‌ای که از جانب شارع نسبت به حیض مطرح شده است چند وجه دارد:

وجه اول، اینکه خون حیض قبل از نه سالگی دیده نمی‌شود.

وجه دوم، اینکه خون حیض، بعد از یائسگی دیده نمی‌شود.

وجه سوم، اینکه خون حیض، کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز دیده نمی‌شود.

در رابطه با تحدیدات مذکور، چند احتمال وجود دارد؛

احتمال اول، اینکه شارع خواسته است اصطلاح خاصی را مطرح کند و بگوید که اصطلاح من شارع به عنوان یک حقیقت شرعیه این است که حیض برای خونی وضع شده که بعد از نه سالگی دیده شود و قبل از یائسگی باشد و حداقل آن سه روز و حداکثر آن ده روز باشد. پس شارع خواسته است جعل اصطلاح بکند و بگوید که حیض غیر از معنای عرفی خود، معنای مشخصی با حدود مذکور دارد.

۱. سید محسن، حکیم طباطبائی، مستمسک العروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۲. «البقرة»: ۲۲۲.

احتمال دوم، اینکه گفته شود که شارع مقدس به عنوان یک خبره نظر داده است و خواسته است بگوید که عرف نیز ممکن است دچار اشتباه شود و مواردی را که حیض نباشد از باب تطبیق، حیض بداند و دچار اشتباه شود و من شارع به عنوان یک خبره نظر عرف را اصلاح می‌کنم. پس شارع خواسته است که اشتباه در تطبیق مصداق که ممکن است از طرف عرف رخ بدهد را تصحیح کند. این احتمال از طرف مرحوم شیخ انصاری (ره) و مرحوم صاحب جواهر (ره) بیان شده است.

احتمال سوم، اینکه گفته شود که شارع مقدس با بیان این حدود خواسته است احکام خاصه حیض را بیان کند، به این معنا که بعضی از آن حدود شرعی اگر محقق نباشند، شارع آن خون را حیض نمی‌داند، یعنی هر چند که خون مورد نظر در واقع از افراد حیض باشد، لکن اگر حدود مذکور را نداشته باشد، احکام حیض بر آن بار نمی‌شود.

احتمال چهارم، اینکه گفته شود که شارع با بیان این حدود خواسته است در هنگام شک در حیض بودن خون، احکام خاصه حیض را ظاهراً نفی کند، هر چند ممکن است که در متن واقع، حیض باشد و احکام حیض را داشته باشد. اما اگر شخص در حیضیت خون شک نداشته باشد، بلکه علم داشته باشد که خونی که قبل از بلوغ یا بعد از یائسگی یا قبل از سه روز یا بعد از ده روز دیده است، حیض است تمام احکام حیض بر آن بار می‌شود.

مرحوم آیت الله حکیم (ره)، فرموده است که استاد اعظم ما؛ مرحوم آخوند خراسانی (ره) در رساله دماء ثلاثه خود، احتمال چهارم را انتخاب کرده است و فرموده است که:

اولاً، بعید است که در موردی که شخص به حیض بودن خون علم دارد، گفته شود که احکام حیض بر آن خون مترتب نمی‌شود. ثانیاً، گمان نمی‌شود که کسی به این سخن ملتزم باشد که در موردی که شخص به حیضیت خون علم داشته باشد، احکام حیض بر آن مترتب نشود [پس به نظر مرحوم آخوند، معیار، علم به حیضیت است لذا اگر شخص به حیض بودن خون علم داشته باشد احکام حیض بر آن بار می‌شود، چه آن خون قبل از بلوغ دیده شود و چه بعد از یائسگی دیده شود، چه کمتر از سه روز دیده شود و چه بیشتر از ده روز باشد].

مرحوم آخوند (ره) فرموده است که مرحوم شیخ انصاری (ره) نیز در کلامی که از کتاب منتهای مرحوم علامه (ره) نقل کرده است، گفته است که خونی که زن بعد از پنجاه سال و در ایام عادت خود می‌بیند؛ همان‌گونه که قبل از پنجاه سالگی می‌دیده است، محکوم به حیضیت است و اگر گفته شود که چنین خونی خون حیض نیست، تحکم و زورگویی است که پذیرفته نیست.

کلام مرحوم شهید اول (ره) در ذکری نیز مؤید سخن مرحوم علامه (ره) است، مرحوم شهید اول (ره) فرموده است که اگر خون حیض با خون استحاضه مشتبه شد، صفات آن از قبیل غلظت، سیاهی، گرمی، کمتر از سه روز نبودن و بیشتر از ده روز نبودن، بررسی می‌شود که اگر این صفات را داشت، حیض است و اگر ضد این صفات را داشت، یعنی غلیظ نبود، گرم نبود، سیاه نبود، از سه روز کمتر بود یا از ده روز بیشتر بود، استحاضه است. پس اینکه مرحوم شهید اول (ره) صفات حیض را و حداقل و حداکثر روزهای حیض را ملاک برای حکم قرار داده است، حاکی از این است که ملاک برای حکم به حیضیت خون، بلوغ و یائسگی نیست، بلکه ملاک، اوصاف می‌باشند، یعنی اگر خونی که دیده می‌شود صفات حیض را داشته باشد، محکوم به حیض است، هر چند که قبل از بلوغ و بعد از یائسگی دیده شود.

«الحمد لله رب العالمین»